

امکان سنجی معامله در فضای سایبر بر اساس فقه امامیه

محمد رضا صفایی تخت فولادی^۱

^۱ دانش آموخته سطح چهار، حوزه علمیه اصفهان، اصفهان، ایران
thakhtefolady@gmail.com

چکیده

موضوع مورد بحث در این نوشتار معاملات در فضای مجازی و حکم آن است. در این نوشتار به پاسخ به این سؤال پرداخته می‌شود که آیا معاملات در فضای مجازی از نظر شرعی دارای وجهت است؟ مسئله‌ای که در اینجا باعث شکل‌گیری این پرسش شده این است که فضای مجازی با فضای عینی دارای تفاوت‌های ماهوی است و این تفاوت در چیستی وجودی سبب می‌شود تا این شبهه ایجاد شود که احکام فضای حقیقی در فضای مجازی قابل اجرا نیست. از این رو برای حل این مسئله پرسش فوق مطرح می‌شود. با بررسی انجام شده نتایج نشان می‌دهد برخی از شرایط عقود در فضای مجازی به دلیل ماهیت آن محقق نمی‌شود مانند بلوغ. در این میان برخی از این شرایط موضوعیت داشته و برخی طریق رسیدن به هدف دیگری است. شرایطی که طریق رسیدن به هدف دیگری است را می‌توان با راه‌های دیگر جایگزین نمود و معامله مجازی را تصحیح نمود ولی شرایطی که موضوعیت دارد، قابلیت جایگزینی ندارد و معامله مجازی در صورت فقدان آن صحیح نیست.

کلمات کلیدی: فضای سایبر، نرم‌افزار، معامله، فقه امامیه.

۱ مقدمه

فضای مجازی یکی از جهان‌های ممکن در کنار جهان خارجی و جهان فرامادی در زندگی امروزه به شمار می‌رود که وجود آن حقیقتی انکارناپذیر است؛ همان‌گونه که زندگی در جهان خارج تابع قوانین و مقرراتی است، جهان مجازی نیز باید شامل قوانین و مقرراتی باشد تا بتوان نظم موجود در آن و همچنین حقوق بایسته میان کاربران این فضای جدید را حفظ نمود. با توجه به تفاوت‌های ماهوی میان فضای مجازی و فضای خارجی، نمی‌توان به سادگی برای هر موضوع در این محیط حکم موضوع آن در فضای خارجی را صادر نمود هر چند اصل وحدت احکام در برخی از زوایای این جهان قابل اجرا است؛ ولی بازشناسی دقیق فضای حاکم بر این جهان نو، و تفاوت‌های میان این پدیده و جهان بیرونی و استخراج مبانی متناسب با آن و همچنین احکام بر پایه این مبانی بایسته می‌نماید، با توجه به این تفاوت میان فضای مجازی و جهان عینی و تاثیر آن بر قوانین رفتاری نویسندگان را برانگیخته است تا به بررسی قواعد فقهی معاملات در فضای سایبری بپردازد؛

چرا که تاکنون این مسئله از نگاه فقهی به صورت خاص مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو در این نوشتار نخست به تعریفی از معامله در فقه به عنوان پیش‌نیاز پرداخته خواهد شد و سپس در بخش اصلی با بیان انواع معاملات موجود در فقه به بررسی آنها در فضای مجازی پرداخته خواهد شد و در نهایت نتیجه بررسی مذکور بیان خواهد شد.

۲ مروری بر کارهای دیگران

با بررسی مقالات در زمینه‌ی قانون و فضای مجازی مشخص شد تاکنون نوشتاری که به طور مستقیم به بحث معاملات در فضای مجازی بپردازد به چاپ نرسیده است و مقالاتی در این مورد نیز از بیان این مهم نارسا است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. مقاله بررسی حقوق و مقررات در فضای مجازی، نوشته اباست پورمحمد، و همکاران.

این نوشته در صدد آن است تا با بررسی چگونگی برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای مقررات خاص و شکل‌دهی مناسب در کالبد فضای مجازی به بررسی حقوق این فضا بپردازد. روشن است این نوشته بر اساس قواعد حقوقی به بررسی مسئله پرداخته است و به طور ویژه مسئله معاملات را بررسی نکرده است.

۲. مقاله واکاوی اصول و قواعد فقهی بهره‌گیری از فضای مجازی، نوشته مرتضی نجفی.

در این نوشتار نویسنده چند اصل زیر را محور کار خود قرار داده است: اصل لزوم نفی تسلط کفار، اصل حرمت کمک به گناه و اصل حرمت اشاعه فحشا؛ و بر این باور است در بهره‌گیری از فضای مجازی یک انسان مسلمان و متدین باید از این موارد پیروی نماید. این نوشتار به مسئله معاملات نپرداخته است.

۳. مقاله اصول مقررات‌گذاری در فضای مجازی، نوشته فائزه طاهری.

این نوشتار نیز تنها به بیان حقوقی مقررات فضای سایبری پرداخته است و در آن نگاهی به بحث فقهی معاملات در این فضا ندارد.

۴. کتاب حقوق فضای مجازی، نوشته دکتر مصطفی‌السان.

محور کتاب در چند بخش محدود است، نخست تعهدات در فضای مجازی، حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی، امضا و گواهی و دلیل الکترونیکی، جرایم فضای مجازی، آیین کشف و دادرسی جرایم مرتبط با رایانه؛ که در تمام موارد مذکور دیدگاه نویسنده بر اساس روش نگاه حقوقی به این فضا است در حالی که نوشتار پیش رو محور فقهی را در این مهم دخیل دانسته است.

۳ پیش‌نیازها

در این بخش نخست لازم است تا معنای معامله از نگاه فقه اسلامی مورد کنکاش قرار گیرد. از معانی که برای معاملات عنوان شده است، معنی عملی است که بر قصد و انشاء متوقف باشد: «آنچه که متوقف است بر قصد و انشاء» [۱]، در این تعریف دو قید قصد و انشاء ذکر شده است و به وسیله قید قصد امور گزارف مانند رفتارهای در خواب و امور توصلی مانند طهارت را خارج نموده است؛ زیرا در امور توصلی مانند طهارت چه قصد داشته باشد و چه قصد نباشد با ایجاد فعل، طهارت که نتیجه فعل است ایجاد می‌شود. اما با قید دوم یعنی انشاء، اراده شده عقود و ایقاعات داخل در تعریف شود؛ زیرا در اینجا انشاء به معنی لغوی آن مد نظر نیست. باید دانست، انشاء در لغت به معنی ایجاد است [۲]؛ که در این معنی شامل کل افعال مکلف می‌گردد و معنای ادبی آن یعنی کلامی که در آن صدق و کذب راه ندارد [۳] که اشکال آن این است که در این معنا شامل معاطات نمی‌شود، زیرا در معاطات کلامی وجود ندارد. پس صحیح‌تر آن است تا تعریفی نو از معاملات ارائه شود که در آن معامله به معنی عقود و ایقاعات لحاظ گردد: «ایجاد یا گسست یک رابطه یا مبادله یا تعهد بین دو یا چند نفر به وسیله کلامی یا رفتاری که قصد قربت در آن لحاظ نشود». در این تعریف با آوردن قید «ایجاد رابطه» عقد ازدواج و ضمانت و با قید «گسست رابطه» ایقاعی مانند طلاق داخل در تعریف می‌شود. همچنین با آوردن قید «مبادله» عقودی مانند بیع و هبه در تعریف جای داده می‌شود و با هر دو قید «ایجاد یا گسست یک رابطه یا مبادله‌ای» امور توصلی مانند طهارت خارج می‌شود؛ چرا که این امور نه رابطه ایجاد می‌کند و نه مبادله است. با قید «ایجاد یا گسست تعهد» اموری مانند یمین، عهد، نذر، ایلاء، ظهار، لعان، و فسخ داخل در تعریف می‌شود» همچنین با استفاده از دو قید «کلام و رفتار»، عقود لفظی و معاطاتی نیز داخل در تعریف گردید. همچنین با آوردن قید «طرفین» عقود چند جانبه مانند مشارکت را در تعریف وارد نموده با قید «عدم لحاظ قصد قربت» عبادات از تعریف خارج می‌شود.

۴ فرضیات

۱. میان فضای مجازی و فضای خارجی تفاوت‌های ماهوی وجود دارد؛ در نتیجه در برخی از احکام میان این دو تفاوت وجود دارد.
۲. میان معاملات در فضای مجازی و فضای خارجی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ تفاوت در موضوعات تفاوت در احکام را نتیجه می‌دهد.
۳. میان معاملات در فضای مجازی و فضای خارجی شباهت‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود در برخی احکام یکسان باشند.

۵ روش پیشنهادی

این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش تحلیل اجتهادی به نگارش در آمده است و نویسنده در آن در صدد بوده است تا با رجوع به منابع دست اول فقه امامیه و با بررسی دقیق موضوع و شرایط حاکم بر آن به استخراج مبانی و اصول کلی فقهی فضای مجازی مبادرت ورزد.

۶ تحلیل و ارزیابی

در این قسمت به بررسی هرکدام از عقود موجود در فقه پرداخته و بررسی می‌شود که شرایط این عقود در فضای مجازی چگونه است.

۱.۶ بیع

شیخ مفید ره از فقهای عقل‌گرای مکتب بغداد در المقنعه بیع را به این معنی دانسته است: «بیع بر تراضی بین دو طرف در آنچه مالک آن می‌شوند منعقد می‌گردد و این زمانی است که دو طرف به عوض از همه جهت شناخت داشته باشند و بر بیع راضی شوند عوض را قبض نمایند و بدن‌هایشان از هم جدا شود» [۴]. در این تعریف یکی از ارکان بیع قبض و اقباض دانسته شده است، در حالی که در تعاریف فقها بعدی این رکن حذف شده و آن را از آثار بیع بر شمرده‌اند؛ چرا که در دیدگاه شیخ مفید ره بیع اعم از بیع لفظی و معاطاتی است؛ در حالی که بنا به دیدگاه فقها بعدی بیع منحصر می‌شود به عقد لفظی. در تعریف شهید اول ره از فقهای مکتب جبل عامل بیع عبارت است از: «ایجاب و قبولی که بر نقل ملک در مقابل عوض معلوم و متعین دلالت کند» [۵] که در این تعریف شرط وجود الفاظ ایجاب و قبول نشان‌دهنده‌ی آن است که ایشان بیع را تنها در موردی می‌پذیرند که لفظ وجود داشته باشد. این دیدگاه متناسب با دیدگاهی است که محقق حلی ره از فقها مکتب حله بیان می‌کنند. ایشان در تعریف بیع آورده‌اند: «بیع لفظی است که بر انتقال ملک از مالک به دیگری در برابر عوض معلومی دلالت می‌کند» [۶]، اما شیخ انصاری ره تحول‌گر اصول مکتب نجف آن را «ایجاد ملکیت عین در مقابل مال» تعریف می‌کنند [۷] و امام خمینی ره از فقها مکتب قم بیع را «تبادل در اضافه» [۸] تعریف می‌نمایند، که از این دو تعریف می‌توان دریافت بیع اعم از عقد به لفظ و عقد بدون لفظ است.

اما برای قضاوت میان این دو دیدگاه بایسته است به این نکته توجه نمود، که در عقود سیره شارع بر امضاء احکام است به این معنی که شارع بیشتر در صدد امضاء آن چیزی است که در میان عرف مرسوم است و نهایتاً محدود ساختن عرف و کمتر دست به جعل حکم در بحث معاملات می‌زند. بنا بر این برای بازشناسی معنای بیع در فقه باید آن را متناسب با همان معنای عرفی آن دریافت نمود؛ چنان که امام خمینی ره این مهم را در نظر داشته و به آن توجه داشته‌اند. البته نکته‌ای که نباید از آن غفلت ورزید این است که در شرع مواردی و قواعدی برای خرید و فروش در نظر گرفته شده که باعث شده فقها در صدد ابداع یک تعریف برای بیع برآیند؛ ولی آنچه از زبان شرع فهمیده می‌شود اینکه بیع یک نوع داد و ستد است چنان که از مفاد آیه: ۱۱۱ سوره توبه فهمیده می‌شود که در آن خداوند جان و مال مردم را در مقابل بهشت خریده است و خداوند در ادامه آیه به این تقابل و داد و ستد عنوان بیع داده است [۸]. پس در زبان شرع هر گونه داد و ستدی بیع

شمرده شده است و مسلم است بیعی چون آنچه در آیه عنوان شد بر اساس قبض و اقباض بنا شده است نه بر اساس عقد لفظی؛ پس به نظر می‌رسد دیدگاه شیخ مفید ره و امام خمینی ره که بیع را اعم از عقد لفظ و معاطات می‌دانسته‌اند، صحیح‌تر می‌نماید. با توجه به آنچه گفته شد هر گونه داد و ستدی که هدف از آن خرید و فروش باشد بیع شمرده می‌شود.

رکن اصلی بیع بنا به دیدگاه امام خمینی ره تبادل است که از این فهمیده می‌شود در بیع باید دو یا چند طرف وجود داشته باشد. به علاوه از این مهم فهمیده می‌شود باید دو فرد دست کم در بیع فعالیت داشته باشند: یکی فروشنده و دیگری خریدار و رکن دیگر آن قصد تملیک دائمی است، که ایجاد نوعی اضافه می‌کند و آن رابطه اضافی بین مالک و مملوک است با توجه به این نکته پس در حقیقت شرعی هر نوع تبادل به قصد تملیک دائمی در حیطة بیع قرار می‌گیرد. با توجه به این نکته اکنون بایسته است به بررسی بیع در فضای مجازی بپردازیم. با توجه به تعریف ارائه‌شده در این بخش باید دانست این نوع داد و ستد در رسانه‌های دو سویه و چند سویه ممکن است ولی در رسانه‌های یک سویه جایی برای بررسی این نوع از معاملات وجود ندارد؛ چرا که در رسانه‌های یک‌سویه مانند رادیو یا تلویزیون امکان تبادل وجود ندارد؛ به خلاف رسانه‌های دوسویه و چندسویه که قابلیت تبادل در آنها وجود دارد. پس در رسانه‌های دوسویه و چندسویه رکن اولیه بیع موجود است.

۲.۶ رهن

یکی از عقود دیگری که در بحث معاملات از آن سخن به میان آمده است بحث رهن است که در فضای مجازی جایی برای پرداختن به آن نیست و احکام آن با احکام فضای خارج یکسان است. پس از بحث پیرامون آن خودداری می‌شود. یکی از شرایطی که در رهن گذاشته شده است اینکه رهن باید عین باشد؛ با توجه به این نکته که کشورهایمانند چین و آمریکا ارزهای مجازی را به عنوان کالا در نظر می‌گیرند، پرسشی که در اینجا ممکن است مطرح شود اینکه آیا اعتبارات مجازی قابلیت این را خواهند داشت تا به عنوان رهن قرار گیرند یا نه؟ در پاسخ باید گفت از شرایط عوضین این است که ثمن و مثن دارای مالیت باشند [۹]. از آنجا که بیت‌کوین و سایر ارزهای دیجیتال مثل اثیریم ارزش ذاتی ندارند بلکه یک اعتبار صرف هستند، از نظر شرعی نمی‌توان آن‌ها را به عنوان عوضین در نظر گرفت. هر چند از جهت اعتباری و قراردادی بین طرفین، این ارز دیجیتال ارزشمند است، ولی به جهت نبود ارزش ذاتی نمی‌توان آن را در معاملات عادی مجاز دانست؛ چرا که اعتبار مذکور قابل از بین رفتن است. ولی در اشیائی که دارای ارزش ذاتی هستند مانند طلا این امکان وجود ندارد. به علاوه از آنجا که این ارزها به صورت متمرکز ساماندهی نمی‌شوند و در ظاهر مرکزی دولتی بر آنها نظارت ندارد استفاده از آنها برای روابط تجاری بین مسلمین جایز به نظر نمی‌رسد؛ چرا که عدم نظارت بر این ارزها قدرت حاکمیت را برای احقاق حق مسلمین در صورت انجام اقدام مجرمانه تحت شعاع قرار داده و احقاق حق را ناممکن می‌سازد. اما در صورتی که بتوان از آنها برای مواردی چون جنگ اقتصادی بهره برد استفاده از آن در این جهت بلا مانع می‌نماید. پس با توجه به این نکته که ارزهای اعتباری مثل بیت‌کوین ارزش حقیقی ندارند و گفته شد که بنا به دیدگاه ما دارای ارزش مالی نیستند نمی‌توان آنها را به عنوان موهون قرار داد. همینطور در سایر معاملات نیز استفاده از آن جایز نیست زیرا مصداق آیه ۲۹ نساء و عنوان

فقہی: «اکل مال به باطل» می‌شود.

۳.۶ ضمان

ضمان به دو معنی در فقه به کار برده شده است؛ نخست به معنی اشتغال ذمه و معنی آن این است که ذمه فرد به هر علتی که مشغول شود نسبت به آن ضامن است [۱۰]. معنای دیگری که برای ضمان در فقه عنوان شده است معنی تعهد و الزام می‌باشد. فاضل مقداد در تعریف آن عنوان می‌کند: «ضمان عقد شرعی برای الزام به [تحویل] نفس یا مال است» [۱۱].

ضمان در معنای نخست از بحث خارج است اما در مورد ضمان به معنی دوم در فضای مجازی نمی‌توان مصداقی پیدا نمود فقط این پرسش پیش می‌آید که آیا حواله یا تعهد در فضای مجازی از دیدگاه فقهی پذیرفته است یا نه؟ چرا که ضمان در اینجا به عقد است و برخی در عقود نیاز به لفظ را شرط دانسته و برخی آن را شرط ندانسته‌اند و باید عنوان نمود ضمانت در فضای مجازی دو سویه، مجاز و تعهدآور است.

۴.۶ صلح

شیخ یوسف بحرانی می‌گوید: «صلح عقدی است برای پایان دادن به درگیری» [۱۱]. شیخ طوسی ره آن را عقد مستقلی نمی‌داند [۱۲]. در حالی که مشهور فقها آن را عقد مستقل دانسته‌اند [۱۳]؛ با توجه به آنچه گفته شد اگر صلح را از عقود در نظر داشته باشیم تنها در رسانه‌هایی می‌توان از آن بحث نمود که دو سویه یا چند سویه باشند و اگر صلح جز ایقاعات باشد می‌تواند در رسانه یک سویه‌ای چون رادیو نیز مورد استفاده واقع شود؛ مانند بخش‌های عمومی.

۵.۶ شرکت

در تعریف شرکت شهید دوم عنوان نموده‌اند شرکت عقدی است که ثمره آن اجازه تصرف مالکان در یک چیز واحد به صورت مشاع است [۱۴]. با توجه به تعریف، شرکت به صورت عقدی و غیرعقدی هر دو صورت در فضای مجازی ممکن است. پیرامون شرکت‌های عقدی باید گفت شکل‌گیری این شرکت‌ها در فضای مجازی چند پرسش را ایجاد می‌کند؛ نخست آنکه آیا عقد شرکت در فضای مجازی صحیح است؟ در رسانه‌های دو جانبه یا چند جانبه صحیح است و برای رسانه‌های یک جانبه سالبه به انتفاع موضوع است. دوم اینکه آیا شرکت در اموال اعتباری مثل بیت کوین صحیح است؟ که با توجه به اثبات عدم مالیت این اقلام ایجاد شرکت با استفاده از این اعتبارات وجه شرعی ندارد.

۶.۶ مضاربه

در تعریف مضاربه گفته شده: «دادن مال به دیگری برای تجارت با آن و تقسیم سود بینشان» [۱۵]. مضاربه نیز به نوعی و هر دو در سود و زیان شریک هستند، این فرآیند اقتصادی به شرطی صحیح است که از پول رایج استفاده شود و با آن خرید و فروش صورت پذیرد و بدون این شرایط مضاربه صحیح نمی‌باشد. نکته‌ای که در این نوع معامله در فضای مجازی قابل بررسی است اینکه امکان بستن قرارداد مضاربه به صورت مجازی

ممکن است و اشکالی بر آن نیست و خرید و فروش اینترنتی نیز در این معامله پذیرفته است و عامل می‌تواند با سرمایه فرد در این تجارت گام بردارد؛ اما استفاده از ارز دیجیتال به عنوان سرمایه برای بحث مضاربه از دیدگاه شرعی پذیرفته نیست مگر در ضرورت؛ چرا که اثبات شد این گونه ارزها دارای مالیت نیستند.

۷.۶ مزارعة و مساقات

معامله مزارعه به معنی «معامله بر زمین زراعی بر قسمتی از محصول» [۱۶]، است یعنی کار زراعت از یک نفر و زمین از فرد دیگر و شراکت در محصول. مساقات نیز به معنی قراردادی است که در آن صاحب یا صاحب اختیار درختان میوه آنها را برای تربیت و رشد به دیگری واگذار می‌کند و هر دو در محصول نهائی شریک می‌شوند [۱۷]. این دو عقد عملاً در فضای مجازی محقق می‌شوند، ولی خود اجرای قرار داد تنها در بیرون از این فضای مجازی ممکن است؛ مگر آنکه این پرسش پیش آید که آیا در آبیاری به وسیله نرم‌افزار از راه دور نیز می‌تواند مصداقی از مصادیق بحث گردد. در پاسخ باید عنوان نمود چنین معامله‌ای معتبر است زیرا تنوع ابزار باعث تغییر موضوع فقهی نیست. تنها باید در این موارد به این نکته توجه نمود که آیا مدعی چنین خدماتی توانائی اجراء آن را نیز دارد؟ تا موضوع قاعده ضرر نباشد.

۸.۶ ودیعه

در مورد ودیعه باید عنوان نمود این نوعی عقد است که در آن فردی به عنوان نایب انسان در حفظ اموال قرار داده می‌شود [۱۸]. با توجه به آنچه گفته شد این سؤال پیش می‌آید که آیا ودیعه نهادن اموال نزد سایت‌های سایبری صحیح است یا نه؟ در پاسخ باید عنوان نمود فضای سایبری اگر قرینه‌ای بر اعتماد بر آنها وجود داشته باشد که بتوان به آن اعتماد نمود، بحث ودیعه نهادن نزد آنها بدون اشکال است و الا از نظر شرعی ودیعه محقق نمی‌شود چرا که احتمال غرر وجود دارد.

۹.۶ عاریه

سید ابوالحسن اصفهانی در تعریف عاریه می‌گوید مسلط ساختن دیگری بر عینی برای بهره‌برداری از آن به شیوه مجانی [۱۹]؛ با این تعریف آیا عاریه در این فضا قابل انجام هست؟ در پاسخ باید عنوان نمود صاحبان فضاهای مجازی می‌توانند محیط اختصاصی خود را به دیگران عاریه دهند. بنا به قاعده تسلیط [۲۰] این تصرف و اباحه جایز است. سؤالی دیگری که آیا فضای سایبر شرایط عاریه را دارد؟ در پاسخ باید گفت شرط عاریه، عین بودن شیء است و در اینجا عین خارجی وجود ندارد؛ ولی عین سایبری نیز از «ما یملک» به شمار می‌رود پس قابلیت عاریه داده شدن را نیز خواهد داشت.

۱۰.۶ اجاره

مشهور فقها امامیه تعریف اجاره را عقدی عنوان می‌نمایند که نتیجه آن بهره‌مندی از منفعت در مقابل عوض معلومی است [۲۱]. بر اساس این تعریف به چند پرسش محتمل می‌توان پاسخ داد. پرسش: آیا عقد اجاره در فضای مجازی جایز است؟ پاسخ: بدون شک این مهم جایز است؛ البته در رسانه‌های دو یا چند سویه.

سؤال: اجاره فضای سایبر ممکن است؟ پاسخ: مشکلی از نظر فقهی وجود ندارد. سؤال: آیا در بحث اجاره عمل می‌توان نرم‌افزار را اجیر نمود؟ پاسخ: در واقع اجیر صاحب نرم‌افزار است و منافع عمل نرم‌افزار متعلق به صاحب این گونه از نرم‌افزارها می‌باشد؛ هر چند این نرم‌افزارها هوشمند باشند ولی به جهت عدم استقلال و نیاز به بستر باز عواید آن متعلق به صاحب آن است.

۱۱.۶ وکالت

شهید ثانی در کتاب خود وکالت را نیابت ذاتی در تصرف معرفی می‌کند [۲۲] و برای آن شرایطی از جمله اینکه هر یک از وکیل و موکل باید بالغ و عاقل باشند و موکل از انجام آن کاری که به وکیل توکیل می‌کند شرعاً ممنوع التصرف نباشد [۲۳]. بحثی که در اینجا می‌توان از آن سخن به میان آورد اینکه آیا وکالت در فضای مجازی ممکن است یا نه؟ پاسخ این پرسش امکان و جواز آن است. پرسش دیگری که در اینجا مطرح است آنکه وکالت نرم‌افزارهای سایبری از انسان ممکن است؟ با توجه به اینکه که نرم‌افزارهای یکی از شرایط وکالت یعنی بلوغ را نمی‌توانند داشته باشند. در پاسخ باید گفت: بلوغ در بحث وکالت خود موضوعیت ندارد؛ بلکه طریق و نشانه‌ای است برای آنکه فرد در دایره تکلیف داخل شده و تکلیف به معنی آن است که مسئولیت رفتار به عهده خود فرد است؛ حال در جایی که مسئولیت رفتار به عهده فرد دیگر است مانند: بحث از نرم‌افزار در واقع وکالت از آن نرم‌افزار نیست، بلکه از آن صاحب اختیار آن یا سازنده‌ی آن است. پس وکالت نرم‌افزار از انسان از نظر فقهی مجاز است.

۷ نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان دریافت برخی از شرایط متعاقدين یا ثمن در برخی فعالیت‌های مجازی وجود ندارد و اصولاً امکان وجود آن نیست مانند شرط بلوغ. در این میان برخی از این شرایط موضوعیت داشته و برخی طریق برای رسیدن به موضوعی دیگر است. به عنوان نمونه در بحث بلوغ، این تنها نشانه‌ای است برای رسیدن به محدوده سنی مکلف. حال اگر نشانه‌ای دیگر برای رسیدن به محدوده سنی مکلف به دست دهد می‌توان این شرط را ملغی نمود. از دیگر سو برخی از شروط موضوعیت دارند مانند ارزش ذاتی داشتن ثمن. عدم وجود این شرط موجب غرر است؛ از این رو در معاملات مجازی که ارزش ذاتی به عنوان ثمن قرار نمی‌گیرد مانند معاملات رمز ارزها از نظر شرعی غرر وجود دارد و این دست از معاملات مجازی از نظر شرعی وجاهت نخواهد داشت.

مراجع

- [۱] شیرازی، ناصر مکارم. انوار الأصول، ص. ۶۰۵. مدرسه الامام، قم: امیر المومنین، ج ۱.
- [۲] راغب‌اصفهانی، حسین. مفردات قرآن کریم، ص. ۸۰۷. دار القلم، الدار الشامیه - دمشق بیروت، ۱۴۱۲.
- [۳] خوئی، سیدابوالقاسم. مصباح الفقاهة، ص. ۵۲. قم: مکتبه الداوری، ج ۲ بی‌تا.
- [۴] شیخ‌مفید. المقنعه، ص. ۵۹۱. قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰.

- [۵] شهیداول. اللمعة الدمشقية لعمة الدمشقية، ص. ۹۳. بيروت: دارالفکر، ج ۱.
- [۶] محقق حلی. شرایع الاسلام، ص. ۷. قم: موسسه اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۰۸.
- [۷] شیخ انصاری. مکاسب، ص. ۱۸. قم: تراث الشیخ الأعظم، ج ۱، بی تا.
- [۸] الموسوی الخمينی، سیدروح الله. البیع، ص. ۱۹. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱، ۱۴۲۱.
- [۹] کاشف الغطاء، حسن. انوار الفقاهة، ص. ۳۷. مکتبه کاشف الغطاء العامة، ج ۱، بی تا.
- [۱۰] صدر، سیدمحمد. ماوراء الفقه، ص. ۳۲۰. قم: المحبین للطباعة و النشر، ج ۴، ۱۴۰۶.
- [۱۱] مقداد، فاضل. التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ص. ۱۸۳. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ج ۲، ۱۴۰۴.
- [۱۲] شیخ طوسی. المبسوط في فقه الإمامية، ص. ۲۸۸. تهران: المکتبه المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ج ۲، ۱۳۸۷.
- [۱۳] محقق حلی. شرایع الاسلام، ج ۲، ص. ۳۶۷.
- [۱۴] شهیدثانی. مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ص. ۳۰۱. قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، ج ۴، ۱۴۲۳.
- [۱۵] طباطبائی، سیدمحسن. مستمسک العروة الوثقی، ص. ۲۳۷. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ج ۱۲، ۱۳۹۲.
- [۱۶] طباطبائی مجاهد، سیدمحمد. کتاب المناهل، ص. ۲۱۱. مؤسسة آل البيت ع، بی تا.
- [۱۷] شهیدثانی. مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۵، ص. ۳۷.
- [۱۸] بحرانی، شیخ یوسف. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ص. ۳۹۸. مؤسسة النشر الاسلامي، قم، ج ۲۱، بی تا.
- [۱۹] اصفهانی، سیدابوالحسن. وسيلة النجاة، ص. ۴۱۵. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، ص ۴۱۵، ۱۴۳۴.
- [۲۰] علامه حلی. نهج الحق و كشف الصدق، ص. ۴۹۴. بيروت: دار الكتب اللبناني، ۱۹۸۹.
- [۲۱] بحرانی، شیخ یوسف. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ۲۱، ص. ۵۳۲.
- [۲۲] شهیدثانی. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۲، ص. ۱۵.
- [۲۳] همان، ص. ۱۷.

